

## کمپته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اعلام تشکیل گارد آزادی و هراس  
ناسیونالیستها!(در حاشیه جنجال اخیر  
جریانات دست راستی  
حول پلنوم سوم حزب حکمتیست)

عبدالله شریفی

و جنگ و از هم پاشیدن شیرازه  
مدنیت جامعه ایران، در مقابل  
مردم قرار گرفته است. هم  
تصویب منشور سرنگونی  
جمهوری اسلامی، حزب  
حکمتیست و هم اعلام تشکیل  
گارد آزادی، به دلایل قابل درک  
با هراس و پرخاش جریانات  
ناسیونالیست کرد و ایرانی  
مواجه شده است. تاریخ  
سیاسی جامعه ایران چه هم  
اکنون و چه بعد از جمهوری  
اسلامی، با هر نتیجه ای، بی  
شک پلنوم سوم حزب حکمتیست  
را به عنوان یکی از جدی ترین  
مقطع به ثبت خواهد رساند. در  
این پلنوم اوضاع خطیر  
پیشروی مردم و جامعه در  
ایران، با درایت و مسولیت  
بررسی شد و تصمیمات مهمی  
در دفاع از مردم و جامعه اتخاذ  
شد. معلوم است که برخورد  
هیستریک و تند "سیاستمداران"  
ناسیونالیست نشان میدهد که  
پلنوم سوم حزب حکمتیست تیر

در صفحه ۳

دوره تعرض ما علیه جمهوری  
اسلامی  
و نیروهای سیاهمصاحبه اکتبر با رحمان حسین زاده  
(در مورد پلنوم سوم حزب حکمتیست)

انجام میدهد، نشان دادیم. این  
را بیش از پیش بیرون از ما  
دیده اند و قضاوت کرده اند.  
احیای این امید و اراده این  
تصویر بدون دخالت گری  
روشن حکمتیستها در ۱۶ آذر و  
۸ مارس و اول مه و اعتصاب  
عمومی مردم کردستان و  
حضور رهبران کمونیست و  
گارد آزادی در میان مردم و  
دهها فعالیت و کمپین موفقی  
همچون کمپین ژیل و بختیار و  
آزادی برهان دیوارگر و مقابله  
با مضحکه انتخابات جمهوری  
اسلامی پیشرویهای نظری در  
انجمن مارکس حکمت و  
حضور موثر در کانونهای  
فکری دانشگاهها و ارائه منشور  
سرنگونی ممکن نبود. با افتخار  
میتوانم بگویم خط مشی و  
پراتیک و حزب حکمتی را  
دوباره احیا کردیم. تازه این  
آغاز دوره تعرض سیاسی و  
عملی گسترده ما علیه وضع  
موجود و جمهوری اسلامی و  
ارتجاع است.



سخت دوباره شروع کردیم.  
صرفنظر از ماهیت اختلافات  
شیوه برخورد غیر اجتماعی و  
سکتی یک جریان هپروتی غیر  
مسئول همزیستی در حزب را  
غیر ممکن و انشعاب را تحمیل  
کرد. اولین ضایعه این واقعه  
لطمه خوردن امید انسانهای  
زیادی در داخل و خارج به  
کمونیسم کارگری و تحزب آن  
بود. این امید را میبایست احیا  
کرد. امروز بعد از یکسال  
فعالیت فشرده رهبری، کادرها  
و اعضای حزب در این راستا  
گامهای بزرگی برداشتیم و  
دوباره امید ایجاد کردیم. به  
لحاظ اجتماعی این مهمترین بعد  
کار ما در این مدت بود. اکنون  
حزب حکمتیست یک  
موجودیت فکری، سیاسی و  
سازمانی و اجتماعی متمایز و  
جدی در صحنه سیاست در  
خارج و داخل ایران است. در  
این یکسال تفاوتمان را در فکر  
و سیاست و پراتیک نسبت به  
آنچه خط چپ سنتی و فرقه ای  
با پوشش کمونیسم کارگری

اکتبر:

برگزاری پلنوم سوم حزب  
تقریباً مصادف است با اولین  
سالگرد حزب حکمتیست، قبل  
از طرح سئوالات در رابطه با  
خود پلنوم فعالیت یکسال گذشته  
حزب را چگونه ارزیابی  
میکنید؟

رحمان حسین زاده:

برای تشخیص جایگاه و اهمیت  
برجسته آنچه که در یکسال  
گذشته انجام دادیم لازمست  
اشاره کنم که در چه موقعیتی  
حزب حکمتیست را ایجاد و  
فعالیت در این چارچوب را  
شروع کردیم. حزب کمونیست  
کارگری ایران که تحت رهبری  
منصور حکمت به نقطه امید  
جنبش سرنگونی رادیکال و  
جنبش آزادی و برابری تبدیل  
شده بود. دوشقه شد. برای  
صوف جنبش ما و انسانهای  
دوستدار کمونیسم کارگری و  
منصور حکمت این لطمه  
بزرگی بود. در این شرایط

## در صفحات دیگر

قرار مصوب پلنوم سوم حزب حکمتیست راجع به گارد آزادی  
اعتصاب کارگران نساجی کردستان ادامه دارد  
انفجارات در شهر سلیمانیه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



این موقعیت کنونی ما هر انسان خواهان تحول رادیکال و همه دستاران کمونیسم منصور حکمت را فرامیخواند که بیایند و نقش ایفا کنند.

**اکتبر:** در مبحث اوضاع سیاسی ایران بر تامین رهبری جنبش سرنگونی و همزمان بر مقابله با خطر وقوع سناریوی سیاه تاکید شد. در مورد هر کدام از اینها توضیحات بیشتری بدهید؟

**رحمان حسین زاده:**

جنبش سرنگونی وسیع و گسترده علیه جمهوری اسلامی خیز برداشته است. این جنبش هنوز پرچم سیاسی و رهبری خود را کاملاً انتخاب نکرده است. نیروهای راست و چپ در صدد تامین این پرچم و رهبری هستند. آلترناتیو راست در یک کلام تکرار سناریوی دخالت آمریکا در ایران و "عراقییزه کردن" جامعه ایران است. این چیزی جز تباهی و سیاهی برای جامعه و مردم و آینده ایران نیست. رفاه و سعادت مردم ایران در گرو پس زدن این آلترناتیو ارتجاعی و سیاه و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. حزب حکمتیست با ارائه منشور سرنگونی و پاپیش گذاشتن رهبران کمونیست و تاکید بر تامین رهبری اعتراض مردم و عروج رهبران توده ای و نه صرفاً رهبری سازمانی و سوق دادن حزب در مسیر نقش ایفا کردن در تحولات اجتماعی تلاش جدی را برای تامین رهبری چپ در جنبش سرنگونی بکار گرفته است. ما می خواهیم جنبش اعتراض توده

ای منشور سرنگونی را به عنوان پلانقرم و مطالبات خود به دست گیرد و با چشمان باز حزب حکمتیست را انتخاب کند. چنین اتفاقی تحولات سیاسی کنونی و جنبش سرنگونی را صاحب موتور محرکه و نیروی هدایت کننده روشن بین میکند. خطر وقوع سناریوی سیاه در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی متأسفانه تشدید شده است. خطر دخالت آمریکا و وصل شدن اپوزیسیون راست به دخالت آمریکا در اوضاع ایران، باد زدن قومی گری و باب شدن بیشتر طرح فدرالیسم در میان اپوزیسیون این نگرانی را افزایش داده است. پلنوم سوم ما بر ضرورت ایجاد صف بندی قدرتمند سیاسی، اجتماعی و نظامی در مقابل این اتفاق سیاه علیه مردم تاکید کرد. تشخیص این وضعیت و آمادگی برای خنثی کردن آن مسئولیت پذیری هر نیروی سیاسی جدی در قبال سرنوشت مردم ایران را نشان میدهد. ما می کوشیم توده مردم و نیروهای سیاسی را متوجه خطیر بودن این اوضاع و لزوم به میدان آمدن حول منشور سرنگونی و ضرورت مقابله با سناریوی سیاه بکنیم.

**اکتبر:** موقعیت حزب در جامعه کردستان به عنوان اهرم تعیین کننده قدرت گیری حزب نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران تاکید شد. دلایل چنین تاکیدی کدام است؟

**رحمان حسین زاده:** دلیل سر راست آن این نکته است که کمونیسم و قطب چپ و رادیکال جامعه کردستان قوی

و یک نیروی اجتماعی است. یک حاصل مهم سیر مبارزات 26 سال گذشته از مقطع انقلاب 57 به بعد عروج کمونیسم قوی و اجتماعی جابجا کننده نیرو در صحنه سیاست بوده که خوشبختانه اکثریت قاطع رهبران، شخصیتها، کادرها و ماتریال آن در حزب حکمتیست گرد آمده اند. در بطن جامعه رادیکالیسم قدرتمند شکل گرفته است. بارها و بارها شاهد تحرک اجتماعی رادیکال و توده ای با پلانقرم چپ در جامعه کردستان بوده و هستیم. 8 مارسها، ماه مه ها، همایشهای کودکان و زنان و مطالبات انسانی آنها، اعتراضات توده ای گسترده، اعتصاب عمومی اخیر و به میدان آمدن نسل جدید و جوان رهبران و فعالین کمونیست، انعکاس جنبش رادیکال و قدرتمند تعیین کننده در صحنه سیاست جامعه است. ما خود عنصر مهم شکل دادن به این کمونیسم قوی و رادیکال بوده ایم. رهبران و شخصیتهای توده ای در حزب ما حضور دارند که نام و تجربه آنها با تحولات مهمی چون اعتصاب عمومی بزرگ مردم سنندج، کوچ تاریخی مریدم مریوان، سازمان دادن مقاومت نظامی علیه جمهوری اسلامی، متحد و متشکل کردن مردم در ابعاد توده ای و ایجاد سازمانها توده ای و شکل دادن به تحرک کارگری و توده ای عجین است. امروز این ماتریال به همراه نسل جدید فعالین کمونیست و حکمتیست در شهرها دست در دست هم میخوانند منشا اثری به نفع کارگر و مردم و آزادیخواهی و رهایی انسان باشند. ما این نیرو

**اکتبر:** ایجاد گارد آزادی اتفاق مهم دوره اخیر فعالیت حزب است. تشکیل این نیرو به چه نیازی میخورد جواب دهد؟

**رحمان حسین زاده:**

در جواب یکی از سئوالات بالا در مورد خطر سناریوی سیاه و از هم پاشیدن شیرازه مندی جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی توضیح دادم. از لزوم صف بندی قدرتمند سیاسی و اجتماعی و نظامی در مقابله با این وضعیت صحبت شد. گارد

آزادی اهرم قدرت نظامی کمونیستی در تقابل با این وضعیت است. هر حزب جدی سیاسی و مشخصاً حزب حکمتیست اگر بخواهد حزب تصرف قدرت سیاسی در شرایط و اوضاع کنونی ایران باشد، نمیتواند پتانسیل قوی ابراز وجود نظامی را نداشته باشد. در تقابل با دارو بسته های مسلح اسلامی و قومی نمیتواند غیر اینصورت در نطفه خفه اش میکند. سرکوب و ایزوله اش میکنند. ما خام نیستم و این اوضاع را تشخیص داده ایم و گارد آزادی و قدرت نظامیمان را سازمان میدهم. تجارب متعدد تاریخی این حقیقت را گوشزد میکند. مهمتر دو تجربه متفاوت خود ما این ضرورت را تاکید میکند. ما کمونیستها در کردستان ایران نیروی نظامی را سازمان دادیم. نه تنها در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی ایستادیم. بلکه پشت حزب دمکرات مسلح را که میخواست ما و مردم را سرکوب کند، به نیوار کوبیدیم. بر عکس در کردستان عراق حزب ما نیروی نظامی قوی ایجاد نکرد و به آسانی توسط ناسیونالیستها سرکوب شد. در سهای متفاوت این دو تجربه هم ما را به ضرورت سازماندهی گارد آزادی میرساند.

\*\*\*

## به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
دبیر: حسین مراد بیگی (حمه سور)  
h\_moradbigi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

اکتبر  
چهارشنبه ها منتشر میشود،  
اکتبر را بخوانید و تکثیر کنید!

تماس با اکتبر:  
Sharifi\_abdollah@yahoo.com  
Tel: 004636975226  
دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی  
Esmail.waisi@gmail.com

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است!

## اعلام تشکیل گارد آزادی

۹  
از ص ۱

راه هدف زده است. چرا، چون، ما واقعیت راه روشنایی بیان کرده ایم. و راه حل های چاره ساز ارائه داده ایم، ما میگوییم که آمریکا و رژیم اسلامی نو سر ماجراجویی نظامی کردن اوضاع ایران هستند. جریانات قومی و فدرالیست چی های جدید و قدیم، بخشهای از خود رژیم اسلامی، در تدارك يك عراق بزرگتر و پر مخاطره تر در ایران هستند. جریانات قوم پرست متنوع هم اکنون در کریبوره های مستشاران سیا و پنتاگون ول هستند و در فکر کسب بورس و جایی برای آینده خود، بازار را بر همیگر تنگ کرده اند. نیروی نوم خرداد سابق از کربوبی و بها ادب تا شیخ عبدالرحمان بلوچستان، از "بچه های" سابق سپاه تا طراحان وزارت اطلاعات، از گروه های استشهادی الله کرم تا حوزوی های مصباح یزدی همه و همه مهمات همین سناریوی خطرناکی هستند که بدرستی حزب حکمتیست دارد راجع به آن به جامعه هشدار میدهد. رفتارند چی های دیروز به سرعت فدرالیسم قومی را به محور سیاست خود تبدیل کرده اند، با عجله کنگره و سمینار بر گزار میکنند و به فدرالیسم قومی قسم میخورند. شاه و شیخ متوجه شده اند که باید "قوام این شاه کلید رسیدن به نان و نانویی" در آینده را بکار گیرند. الاحواز و سلطنت

طلب و قوم پرستان کرد، در خیال تشکیل ارتشهای پاکسازی قومی، کپی ارتش رهایی بخش کوسوو، خود را تجدید آرایش میدهند. خود مختاری طلبان نیروز کردستان، متوجه اهمیت سیاسی و استراتژیک کردستان شده اند و فدرالیست بودن خود را به فروش میرسانند، همه این خاندان به طرز مسخره واری احساس خویشاوندیشان (فعال) گل کرده است. حتی کربوبی هم فهمیده که مادرش "لر" و به اصالت "کرد" بوده است!!! توده و اکثریت های معلوم الحال که با دخیل بستن به تقویت جمهوری اسلامی و مسلح کردن سپاه پاسداران، و قهرمان بازی اسلام مدرن و اصلاح شده، شانس خود را آزموده بودند، اکنون قبله گاه جدیدی یعنی قوم پرستی و فدرالیسم قومی را "کشف" کرده اند. این خیل متنوع، حق دارند درستی کنند و از تشکیل گارد آزادی برنجنند! اینها خود را برای زندگی سیاسی بعد از جمهوری اسلامی مطابق نسخه "نظم نوینی" آماده میکنند.

فرمولهای نظیر اینکه با فدرالیسم قومی میخوانند حق مردم را از جمهوری اسلامی بگیرند، تشریفات زشت و عوام فریبانه ایست برای داخل کردن مردم به قعر این جهنم، برای به استیصال کشتادن مردم و اجرای سناریویی که جهان در یوگسلاوی و عراق تجربه کرده است. همانطور که جریانات راست اسلامی و قومی بعد نظامی را به سیاست ایران تحمیل کرده و میکنند، مردم هم در مقابل، برای لگام زدن به این

توحش باید قدرت باشند، حزب و یا احزابی که بخواهند جامعه را از خطر این فاجعه رها کنند نمی توانند مسلح نباشند، این واقعیت ساده سیاست امروز ایران است. وارد کردن بعد نظامی به سیاست ابداع کمونیستها نیست، این کار را رژیم اسلامی، جریانات اپوزسیون راست، کرده اند و دارند ادامه میدهند. به صحنه سیاست در کردستان نگاه کنید! می بینید که از هم اکنون همه تا دندان مسلح هستند، وقتی نوبت به کمونیستها و مردم آزدیخواه میرسد، سراسیمه این همه جنجال راه می اندازند!

حقیقت این است که مردم راه حل دیگری ندارند، مردم میدانند که بقیه جریانات سیاسی ایران واقعیت را بیان نمیکنند، در بهترین حالت میگویند که ایران عراق نمیشود چون جامعه ایران فرق دارد و مردم به خودی خود قبول نمیکنند یا میگویند این اوضاع مردم را خود به خود به سوی لقلاب می برد و از این خوش خیالهای پوچ، مگر جامعه یوگسلاوی، مدرن و امروزی نبود؟! مگر مردم آن سرزمین خواهان این اوضاع برزخی بودند که به سرشان آوردند؟! میگویند با این وضع جمهوری اسلامی می رود، این هم از آن دسته نفهمی های رایج است که روزانه با خروار و هدفمند به ذهن مردم بمباران میکنند. در حقیقت، جمهوری اسلامی با این وضع نه تنها جارو نمیشود، بلکه اسلام سیاسی با قدرت بیشتر در ابعاد وسیع تر به جان جامعه رها میشود، تجربه

عراق این را به ما میگوید. تصادفی نیست که سران جمهوری اسلامی مسیر نظامی شدن فضای جامعه را به جان و دل میخرند. این توهمات و اشاعه دروغ و خرافه برای این است که مردم را از سیاست دور کنند، که قیام مردم برای برچین نظام اسلامی را سد کنند.

بد نیست جهت اهمیت موضوع شما را به يك حافظه تاریخی نه چندان دور ارجاع دهم. همین ۸ سال قبل، منصور حکمت، خطر نوم خرداد را به جامعه ایران هشدار داد. همان موقع، همین جریانات ناسیونالیستی، از حزب دمکرات کردستان تا طیف توده ای اکثریت شناخته شده، زیر عباي خاتمی به امید اسلام مدرن چه کارهایی علیه مردم نکردند؟! اگر آن موقع مردم ایران و جریانات سیاسی که خود را چپ می نامیدند، پشت سیاستهای مسئولانه و نقیق منصور حکمت رفته بودند، این ۸ سال به عمر پرمکنت جمهوری اسلامی اضافه نمیشد. این همه فقر و فلاکت پایان یافته بود. خطر همین سناریوی پر مخاطره را همانجا با جارو کردن اسلام سیاسی منتفی کرده بودند. اکنون همین جریانات که فدرالیست چی هستند و نفرت قومی را دامن میزنند، آن زمان با اسلام اصلاح شده خاك به چشم مردم می پاشیدند.

اکنون همان منظره بار دیگر با تغییر آرایش و با مخاطره جیتر دارد تکرار می شود. حزبی دارد به مردم راجع به وقوع سناریویی در ایران به

مردم هشدار میدهد و مصمم است که در نهایت توان خود در مقابل تخریب جامعه و خون پاشین دیگر به جامعه، مردم را از شر جمهوری اسلامی و ملتاریزم و نقرقه قومی نجات دهد. برای این کار باید مردم را وسیعا با خود همراه کند. باید وجدان انسانی جامعه را خطاب قرار دهد و بگوید که اگر کسی قلبش برای زندگی خود و نسل بعد از خود میطپد، اگر کسی توحش رواندا و یوگسلاوی و عراق وجدانش را آزرده است، اگر کسی به رهایی و رفاه و خوشبختی خود و هموعان خود فکر میکند، باید خود را برای مقابله با این سناریوی نوزخی که تدارك دیده اند آماده کند. باید حزب حکمتیست را بدست گرفت و قویا جامعه را از این گذرگاه پر مخاطره عبور داد. مردم آزدیخواه و کسانیکه مخالف با تکرار تجربه عراق در ایران هستند، اکثریت جامعه هستند. کمونیستها و آزدیخواهان باید در این نبرد این نیروی اجتماعی را به میدان بیاورند. حزب ما مصمم است. ما دست بکار سازمان دادن گارد آزادی و ساختن يك حزب سیاسی توده ای هستیم. ما گارد آزادی را تشکیل میدهم تا جنبش کارگری، جنبش برابری زن و مرد، جنبش خلاصی فرهنگی و... را حفاظت و تقویت کند و اجازه ندهد، تاریخ و سرنوشت ما را این بار به شیوه خونین و فلاکتبار رقم بزنند. به ما بپونید!

۲۵ اکتبر ۲۰۰۵

## امروز سه شنبه شهر سلیمانیه شاهد يك رشته انفجارات بود.



حالی به وقوع پیوست که اخبار تصویب قانون اساسی عراق از جانب مقامات آمریکا و همدستانش در عراق بخش شده است.

مسلح اتحادیه میهنی منفجر شد که تلفاتی به کاروان نظامی و ماشینهای در حال عبور از آن نقطه وارد آورد. اخبار رسمی اتحادیه میهنی مدعی است که این انفجار به قصد ترور ملا بختیار یکی از سران اتحادیه میهنی صورت گرفته است. از میزان تلفات دقیق این حوادث اطلاعی در دست نیست.

این اتفاق ناگوار در سلیمانیه در

سه شنبه ۲۵ اکتبر دو ماشین بمبگذاری شده در نزدیکی یکی از مقرهای اتحادیه میهنی (وزارت پیشمرگ) منفجر شدند که نتیجه آن تعدادی از مردم عابر در آن منطقه کشته و زخمی شدند. ساعاتی بعد يك ماشین دیگر در نزدیکی هتل ابوسینا در منطقه سرچنار سلیمانیه يك ماشین بمب گذاری شده در مسیر کاروان نظامی واحدی از نیروهای

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (تشکیل گارد آزادی) اکتبر ۲۰۰۵

آزادی، مانند عضویت در حزب یعنی تقاضای فرد و پذیرش او توسط کمیته حزب است.  
۱۱. عضویت در گارد آزادی و عضویت در حزب یکسان نیستند. اما هر کس با پیوستن به گارد آزادی بطور اتوماتیک عضو حزب خواهد شد مگر اینکه خود صراحتاً عکس این را بخواهد.  
۱۲. آئین نامه ها، مقررات و ضوابط عمومی گارد آزادی توسط دبیر کمیته مرکزی تهیه میشود و باید به تصویب دفتر سیاسی برسد. در هر حال این ضوابط و مقررات نمیتوانند با اصول سازمانی حزب در تقاض قرار گیرند. رفتار گارد آزادی و اعضای آن نمیتواند با مواد برنامه حزب و فلسفه انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی حزب در تقاض قرار گیرد.

سایر نقاط ایران را نیز در دستور خود قرار خواهد دهد.  
۶. گارد آزادی در هر منطقه جزو سازمان حزب در آن منطقه است و سلسله مراتب فرماندهی آن توسط کمیته حزب در منطقه تعیین میشود.  
۷. گارد آزادی دارای فرماندهی سراسری و ستاد مرکزی است. فرمانده سراسری گارد آزادی به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی تأیید دفتر سیاسی تعیین میشود. فرمانده سراسری گارد آزادی معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی خواهد بود و مستقیماً تحت اتوریته او کار خواهد کرد.  
۸. واحد های گارد آزادی در محیط زیست مردم و اساساً در شهرها سازمان میابند. بعلاوه گارد آزادی میتواند در شرایط لازم واحد های منظم و متحرک را نیز سازمان دهد. عملی بودن یا مخفی بودن این نیرو تابع شرایط سیاسی و نیازهای حزب است.  
۹. سازمان گارد آزادی هر جا که اختناق سیاسی حاکم است از سازمان حزب در محیط کار و زیست جدا است. مبنای سازمان دهی آن واحد های منفصل است که مستقیماً به فرماندهی وصل هستند.  
۱۰. شرط عضویت در گارد

بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.  
۳. گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل میلیس توده ای است و یکی از اشکال اصلی سازمان یابی جوانان و مردم بخصوص در محلات و شهرها است.  
۴. در شرایط کنونی با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان، که از همان ابتدا احزاب بدون پتانسیل نظامی را فاقد هر شانسی میکنند، سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (دسته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یا دارو دسته های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد.  
۵. حزب بتدریج و طبق یک نقشه دقیق و حساب شده سازمان دادن گارد آزادی در

نیروی نظامی شوند و تجربه در ایران و عراق و سایر نقاط جهان نشان میدهد که این کار را خواهند کرد.  
ت - در کردستان رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی، بین احزاب سیاسی با هم و با مردم بعد نظامی داشته و یا به سرعت پیدا خواهد کرد و هیچ نیروی سیاسی بدون داشتن پتانسیل و قدرت نظامی کوچکترین شانسی برای دخالت موثر در حیات سیاسی جامعه را ندارد،  
ث - حزب باید قادر باشد این خطرات را با قدرت پاسخ گوید □ امنیت و آزادی مردم و بنیادهای جامعه را تضمین نموده و اشکالی از سازمان یابی مسلح را در پیش گیرد که با زندگی مردم انطباق داشته و قابلیت دخالت موثر در بعد سراسری ایران را نیز دارا باشد لذا داشتن پتانسیل و قدرت نظامی توسط حزب طبقه کارگر یک امر حیاتی تبدیل است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای دادن پاسخ همه جانبه به این موقعیت "گارد آزادی" را تشکیل میدهد.  
۲. گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان

پلنوم سوم کمیته مرکزی اصول زیر را به عنوان مبنای گارد آزادی تصویب میکند:  
۱. از آنجا که:  
الف - خطر از هم پاشیدن بنیاد های زندگی مدنی و "عراقیزه" کردن جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن توسط دار و دسته های مسلح اسلامی، قومی و گانگستر های سیاسی و همچنین توسط دخالت نظامی آمریکا و متحدینش به یک خطر دائمی در ایران تبدیل شده است □  
ب - بخش زیادی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دارو دسته های قومی و مذهبی مسلح هستند و به سیاست در ایران بعد نظامی داده اند. همچنین بستر اصلی اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی و دولت های غربی و آمریکا به تبلیغ فدرالیسم قومی در ایران روی آورده و خطر "عراقیزه" کردن جامعه ایران و "سناریو سیاه" را به شدت افزایش داده اند،  
پ - بورژوازی اپوزیسیون و دار و دسته های مذهبی و قومی میتواند در رابطه میان خود با جنبش ها و احزاب سیاسی دیگر، بویژه با طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه، متوسل به

## اعتصاب کارگران نساجی کردستان با فشارهای مضاعف و فزاینده روبرو است.

بخصوص با تحمل فشار مالی و فقر طاقت فرسا، کماکان مصمم اند کارفرما و دولت را به عقب بنشانند.  
باید با تمام قوا از تلاشهای انسانی کارگران کارخانجات نساجی کردستان حمایت کرد.  
**کمیته سندج حزب حکمتیست**  
اول آبان ۸۴ (۲۳ اکتبر ۲۰۰۵)

مخالفت و اعتراض شدید همکاران خود مواجه شده و از اقدام آنها جلوگیری بعمل آمد.  
کارگران کارخانجات نساجی کردستان با اراده و تصمیم خارق العاده و درجه بالای همبستگی طبقاتی و اتحاد با شگردهای سرکوبگرانه و توطئه گری و تفرقه افکنی دولت و کارفرما و

ای که در تالیو اعلانات کارخانه زده شده اعتصاب کارگران و تداوم آن را محکوم کرده و آن را غیرقانونی اعلام کرده است. در این شرایط سخت و تفرقه افکنی و تحت فشار مالی کمر شکن، تعداد ۶ نفر از کارگران شیفت شب در صدد بودند استارت ماشینها را زده و اعتصاب را بشکنند. اما این کار آنها با

اعتصاب کارگران نساجی کردستان با وجود فشار دولت از طرفی و فقر و دست تنگی از طرف دیگر، کماکان ادامه دارد. اطلاعات جمهوری اسلامی نمایندگان کارگران را بعنوان اغتشاش گر معرفی کرده است. اطلاعات و حراست و نمایندگان کارفرما هم به تفرقه افکنی مشغولند و اداره کار هم طی نامه

## سندج - کارخانه شاهو

همکاران این کارگران در کارخانه شاهو است. نمونه این حمایت و همبستگی را در کارخانجات نساجی کردستان شاهدیم.  
**کمیته سندج حزب حکمتیست**  
اول آبان ۸۴ (۲۳ اکتبر ۲۰۰۵)

بگیرند.  
از طرف دیگر اداره بیمه به ۲۸ کارگر شاهو قول داده است که مشکل بیمه شان را تا فردا حل کرده و پاسخ مثبت بدهد.  
ضامن بازگرداندن کارگران به سر کار حمایت و همبستگی دیگر

عملی کرده است. ضمناً این کارگران بدون پرداخت هیچگونه خسارتی اخراج شده اند. کارگران اخراجی به اداره کار مراجعه و شکایت کرده اند کارگران شاهو قرار است در تجمع فردا در مورد تداوم مبارزه خود و احتمال سفر مجدد به تهران تصمیم

مدیریت کارخانه شاهو به اخراج ۴۰ نفر کارگر قراردادی کارخانه شاهو رسمیت داده است. این کارگران در سالهای اخیر به عنوان کارگر قراردادی موقت استخدام شده و بر این اساس مدیریت اخراج این کارگران را در دستور قرار داده و

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!